



فیض کاشانی و نظریه عینیت و وجوب نماز جمعه

طیبه عارف‌تیا*

چکیده:

یکی از ضروریات دین اسلام، حکم و وجوب نماز جمعه بوده و این امر مورد اجماع همه مسلمانان است. لکن گروهی از امامیه قائل به وجوب تخییری نماز جمعه در زمان غیبت به دلیل اشتراط وجوب عینی به حضور امام(ع) یا نایب ایشان شده‌اند. فیض کاشانی ضمن رد ادعای قائلین به اشتراط و پاسخ به شبهات آنها، با استفاده از کتاب، سنت نبوی(ص)، روایات ائمه(ع)، اجماع و دلیل عقلی، وجوب عینی نماز جمعه را اثبات می‌کند.

کلیدواژه‌ها:

فیض کاشانی، نماز جمعه، وجوب عینی، اشتراط سلطان عادل.

فصلنامه
کاشان‌شناخت
شماره چهارم و پنجم
پاییز و زمستان ۸۷

* عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر ری.

طرح مسئله

وجوب نماز جمعه از مسائل اجتماعی میان همه مسلمانان بوده و در خصوص تشریح آن، هیچ‌گونه تردیدی وجود ندارد. در تمام مدت حیات پربرکت رسول خدا(ص) نیز این مهم هیچ‌گاه ترک نشد، لکن با توجه به نظریه شرط وجود امام(ع) یا نایب وی برای وجوب عینی نماز جمعه در میان گروهی از فقهای امامیه و مخالفت با این شرط از سوی برخی دیگر از جمله مرحوم محدث فیض کاشانی، به بررسی ادله وجوب عینی و نقد ادله نظریه اشتراط به وجود امام(ع) از دیدگاه این محدث می‌پردازیم.^۱

۱. پیشینه مسئله:

از نظر اهل سنت، وجوب نماز جمعه از زمان رسول خدا(ص) کماکان استمرار داشته و هم‌اکنون نیز به طور مطلق واجب است. در میان امامیه نیز، اصل وجوب و اهمیت نماز جمعه مورد وفاق می‌باشد، ولی گروهی وجوب نماز جمعه را مشروط می‌دانند. اهمیت مسئله نماز جمعه در میان فقهای امامیه - به خصوص از زمان صفویه که علما در مسائل حکومتی دارای نقش و نفوذ ویژه‌ای بوده‌اند و امکان اقامه این مهم فراهم بوده است - انگیزه‌ای برای نگارش رساله‌های متعدد در این زمینه بوده است که اخیراً تعدادی از این رساله‌ها تصحیح و در کتابی مستقل به نام دوازده رساله فقهی درباره نماز جمعه از روزگار صفوی به چاپ رسیده است.

۲. آرای موجود در مسئله در میان امامیه و ادله هر کدام

در میان امامیه، دو نظریه عمده در خصوص نحوه وجوب نماز جمعه وجود دارد که در اینجا به تفصیل به آرا و ادله هر کدام اشاره می‌شود:

۱-۲. نظریه وجوب عینی نماز جمعه

به تصریح مرحوم فیض، محدثین قدیم هیچ تردیدی در خصوص وجوب نماز جمعه و عدم امکان نسخ حکم وجوب پس از رسول خدا(ص) نداشته و هیچ

شرطی برای این حکم قائل نشده‌اند تا سبب ساقط شدن این حکم در زمان خاص و یا با شرایط خاص شود.

ادله و وجوب عینی نماز جمعه

فیض پنج دسته ادله را بر وجوب عینی نماز جمعه ارائه می‌دهد:

الف. ادله و وجوب عینی نماز جمعه از قرآن کریم

فیض کاشانی سه آیه از قرآن کریم را دال بر وجوب عینی نماز جمعه می‌داند:

۱. آیه شریفه «یا ایها الذین آمنوا إذا نودی للصلاة من یوم الجمعة فاسعوا إلی ذکر الله و ذروالبیع ذلکم خیر لکم إن کتتم تعلمون» (جمعه/۹) نحوه استدلال به آیه بالا این است که مفسران بر اینکه مراد از ذکر، که در آیه امر به سعی به آن شده است، نماز جمعه و یا خطبه آن است، اتفاق نظر دارند.

۲. آیه شریفه «یا ایها الذین آمنوا لاتلهکم أموالکم و لأولادکم عن ذکر الله و من یفعل ذلک فاولئک هم الخاسرون» (منافقون/۹) در تفسیر این آیه شریفه نیز، ذکر به معنای «نماز جمعه» آمده است که در آیه اول امر به ادای آن شده و در دیگری، از ترک آن نهی شده است.

۳. آیه شریفه «حافظوا علی الصلوات و الصلوة الوسطی» (بقره/۲۳۸) پس از امر به محافظت بر همه نمازها، به طور خاصی امر به محافظت بر «صلوة الوسطی» شده و محققان بر آنند که صلوات وسطی، نماز ظهر در ایام غیر جمعه است و در روز جمعه، مصداق آن نماز جمعه خواهد بود. فیض به نقل از شهید ثانی آورده که گروهی از علما معتقدند که صلوات وسطی تنها به نماز جمعه اطلاق می‌شود. (رسائل الشهید الثانی، ص ۵۳)

ب. ادله و وجوب عینی نماز جمعه در کلام رسول خدا(ص)

فیض در این باب به شش روایت از آن بزرگوار استشهداد می‌کند که برای نمونه در اینجا به دو روایت اشاره می‌شود:

فصلنامه
کاشان‌شناخت
شماره چهارم و پنجم
پاییز و زمستان ۸۷



- «الجمعة واجبة على كل مسلم ألبا أربعة: عبد مملوك أو امرأة أو صبي أو مريض» (رسائل الشيعة، ص ۶)

- «من ترك ثلاث جمع تهاوناً بها طبع الله على قلبه» (سنن ابی داوود، ۱/۲۷۷)
دو روایت فوق، که مفاد آن وجوب نماز جمعه بر همه افراد بوده و در صورت ترک آن وعده «طبع على القلب» و در برخی از روایات، عنوان «نفاق» یا وعده «ختم بر قلب» مورد تأکید قرار گرفته، نشان می‌دهد که این امور با وجوب تخییری سازگار نیست.

ج. ادله وجوب نماز جمعه در کلام ائمه هدی (ع):

در این بخش، مرحوم فیض روایات زیادی را آورده که برای نمونه به چند مورد از آنها اشاره می‌شود:

۱. صحیحه زراره از امام باقر (ع)، قال: «فرض الله على الناس من الجمعة إلى الجمعة خمساً و ثلاثين صلوة منها صلوة واحدة فرضها الله في جماعة و هي الجمعة و وضعها عن تسعة: عن الصغیر و الكبير و المجنون و المسافر و العبد و المرأة و المريض و الأعمى و من كان على رأس فرسخين.»

نحوه استدلال فیض به روایت فوق، این است که غیر از نماز جمعه، وجوب دیگر فرائض به نحو وجوب عینی است. بنابراین، اگر در مورد نماز جمعه حمل بر وجوب تخییری- در بعضی وجوه- شود، اختلاف حکم فرائض بدون وجه تمایز لازم می‌آید. همچنین ایشان از شهید ثانی نقل می‌کنند که در مورد روایت فوق فرموده‌اند اگر وجوب نماز جمعه در برخی وجوه تخییری بود، امام آن موارد را مانند موارد نه‌گانه از حکم وجوب استثنا می‌کردند. استثنای این افراد از وجوب عینی است نه مطلق وجوب؛ چرا که اگر مثلاً مسافر حاضر بود، بر وی واجب بود.

فیض همچنین تخصیص حکم وجوب به زمان حضور امام (ع) را جایز نمی‌دانند به دلیل اینکه: اولاً این امر خلاف ظاهر است، ثانیاً اگر منظور زمان ظهور امام به

وجه سلطنت و استیلا است، مستلزم خروج اکثر جمعه‌ها و اکثر افراد عام است و این امر نزد محققان جایز نیست؛ چرا که زمانی که معصوم (ع) در مقام بیان حکم شرعی است و در حکمی مبالغه فرموده، آن را بر هر فرد و هر جمعه واجب می‌کند مگر جماعتی خاص و با این حال این حکم برای هیچ یک از افراد عصر خود و بیشتر مسلمین، ثابت نیست و تنها برای افرادی در زمان پیامبر و زمان خلافت امیرالمؤمنین و در آینده هنگام ظهور امام قائم (عج) واجب است، این امر پسندیده نیست و اگر منظور از زمان حضور، اعم از استیلا و سلطنت باشد، وجهی برای تخصیص مذکور باقی نمی‌ماند؛ زیرا فرقی بین حضور همراه با خوف و زمان غیبت نیست، چرا که در هر دو حالت خود امام امکان اقامه نماز یا تعیین نایب را که مناط وجوب عینی است (نزد قائلین به نفی وجوب عینی در زمان غیبت) ندارد.

۲. صحیحہ منصور ابن حازم از امام صادق (ع)، قال: «يجمع القوم يوم الجمعة إذا كانوا خمسة فما زادوا فإن كانوا أقل من خمسة فلا جمعة لهم و الجمعة واجبة على كل أحد لا يعذر الناس فيها الا خمسة: المرأة و المملوك و المسافر و المريض و الصبي» (استبصار، ۴۸۸/۱)

۳. صحیحہ ابی بصیر و محمد ابن مسلم از امام باقر (ع)، قال: «من ترك الجمعة ثلاث جمع متوالية طبع الله على قلبه» (ر.ک: تهذیب الاحکام)

۴. از امام محمد باقر (ع): «فإن ترك رجل من غير علة ثلاث جمع، فقد ترك ثلاث فرائض و لا يدع ثلاث فرائض من غير علة إلا منافق» (رسائل الشیعه، ۴/۳)

د. دلیل اجماع بر وجوب عینی نماز جمعه

فیض کاشانی با تعریض به عدم پذیرش اجماع به عنوان دلیل معتبر، از باب اتمام حجت بر قائلین به حجیت آن، کلام فقهای جلیل القدر را نقل کرده و عینیت وجوب نماز جمعه را به واسطه اجماع نیز اثبات کرده است. وی در ابتدا بر این امر تأکید کرده که فقهای قدیم جز به کتاب خدا، سنت رسول خدا (ص) و کلام اهل بیت (ع) تمسک نمی‌جسته و به آرای خود و اصول فقهی منسوب به عامه از قبیل

اجماع، اجتهاد، قیاس، استحسان و ... استناد نمی‌جسته‌اند. بنابراین، مرحوم فیض، فتاوی آن‌ها را قریب به حجت می‌داند؛ زیرا آنان در صدور فتوا از مضمون روایات تجاوز نمی‌کرده‌اند و نیز قرب زمانی آنان به معصومین (ع) موجب اطلاع آنان به اسرار ائمه و خصوصیات احکام می‌شود به نحوی که متأخران چنین امکانی را ندارند. فتوای متقدمین در این خصوص، به اتفاق کلمه بر وجوب عینی نماز جمعه از زمان تشریح است تا روز قیامت و نیز بدون اشتراط اذن امام یا جایز شمردن ترک آن در وقتی از اوقات.

و اما قول به اشتراط وجوب به حضور امام یا نایب وی از سوی گروهی از متأخران مطرح شده است. در عین حال، گروهی دیگر به پیروی از اکابر متقدمین در فتوا و عمل، با استناد به کتاب، سنت و آثار اهل بیت (ع) قائل به عینیت وجوب نماز جمعه شده‌اند. هرچند مطلق وجوب که شامل عینی و تخییری است، مورد پذیرش جمیع امت است. (به جز ابن ادریس و احتمالاً سلار)

فیض در ادامه به ذکر آرای فقها پرداخته، برخی را مستقیماً از کتب آن‌ها و برخی دیگر را که بدان دست نیافته است از ثقاتی مانند علامه حلّی (مختلف الشیعه، ۲/۲۳۳، ۲۳۷، ۲۳۹ و تذکره الفقها، ۷/۴-۱۲)، شهید ثانی (رسائل الشهید الثانی، ص ۱۰۱-۱۵۱)، صاحب مدارک (دارک الاحکام فی شرح شرایع الاسلام، ۵/۱) و ... نقل کرده است. از جمله به رأی و فتوای مرحوم محمد (ص ۶۴۴-۶۴۵) ابن یعقوب کلینی در کافی (الفروع من الکافی، ص ۴۱۸-۴۱۹)، رأی مرحوم صدوق در من لایحضره الفقیه (۱/۲۶۶)، المقنع (ص ۶۹) و امالی (۶۴۴-۶۴۵)، فتوای شیخ مفید در کتاب الاشراف فی عامه فرائض الاسلام (مصنفات الشیخ المفید، ۹/۲۴-۲۵) و المقنعه (ص ۱۶۳) و ظاهر شیخ طوسی در تهذیب الاحکام (۳/۲۳۹)، رأی ابوالفتح کراچی در تهذیب المسترشدین^۲ شیخ عماد الدین طبرسی در کتاب نهج العرفان الی هدایة الایمان^۳ ابوالصلاح حلبی در الکافی فی الفقه اشاره کرده است.

مرحوم فیض، در توضیح پیشینه مسئله، از شیخ طوسی به عنوان اولین کسی که

اشتراط امام یا نایب وی را برای وجوب مطرح کرده و دیگران نیز در این رأی از وی تبعیت کرده‌اند، یاد می‌کند. لکن معتقد است چنین برداشتی از رأی شیخ صحیح نبوده و منظور شیخ را تخییر عارضی در زمان تقیه (ایتام به امام جائز یا مخالف) تفسیر می‌کنند که متأخرین رأی تخییر در حکم را از ایشان برداشت کرده‌اند. ایشان برای اثبات این امر به عبارات شیخ در کتب مهم وی استشهد کرده‌اند که همه ظاهر در وجوب عینی نماز جمعه هستند. (الاقتصاد، ص ۲۶۷؛ الرسائل العشر، ص ۱۸۹؛ المبسوط، ۱/۱۴۳ و النهایة، ص ۱۰۳)

در خصوص سید مرتضی (المجموعه الأولى، المسئلة الثانية، احکام صلوة الجمعة، ص ۲۷۲) هرچند ابن ادریس ادعای منع از سوی ایشان نموده است، ولی شهید ثانی ضمن توجیه کلام وی، نسبت مخالف با جمهور مسلمین و صریح کتاب و سنت را به مجرد ظهور کلام ایشان در آن معنا، برای ایشان روا نمی‌داند. علاوه بر اینکه به دو طریق توجیه کلام سید را بر خلاف ظاهر آن بیان می‌دارد.

در مورد سلار ابن عبدالعزیز (المراسم العلویة، ص ۷۷) که ابن ادریس از ایشان قول به منع وجوب در زمان غیبت را نقل کرده (السرائر، ۱/۲۹۰)، بر چنین نقلی اعتماد نکرده و آن را نمی‌پذیرد. فیض تصریح می‌کند که غیر از محقق حلی (الرسائل التسع، ص ۳۴۵؛ المعتمر، ۲/۲۷۹ و شرایع الاسلام، ۱/۷۴) و علامه حلی (تذکره الفقهاء، ۷/۴، ۱۹ و ۲۰؛ قواعد الاحکام، ۱/۲۸۳ و نهایة الاحکام، ۲/۹، ۱۳ و ۱۴)، متأخرین از شهید ثانی به بعد، همگی یا اکثر آنها معتقد به وجوب عینی نماز جمعه هستند و اشتراط اذن امام را قبول ندارند و سپس به تفصیل به نام و آثار آنها اشاره می‌کند.

بنابراین، مرحوم فیض پس از تتبع آثار و اقوال فقها و محدثین، سعی در تحصیل اجماع بر عینیت وجوب نماز جمعه دارد؛ چرا که بیش از بیست فقیه را برمی‌شمرد که در کتب خود بدون اقرب و اصح، حکم جازم و قطعی به وجوب عینی داده‌اند. و اما کسانی که با اقرب و اصح نظر داده‌اند، فیض ضمن بیان اتلال در کلام آنها، با توجه به مبنای قائلین به حجیت اجماع که عبارت است از حجیت به اعتبار کاشفیت

از قول معصوم(ع) و انضمام قول او از آنجا که قول به وجوب عینی نماز جمعه مشتمل است بر قول معصوم(ع)، باید همین قول اجماعی باشد نه دیگر اقوال. علاوه بر آنکه دیگر اقوال، هیچ مؤیدی از کتاب یا سنت ندارند. فیض ادامه می‌دهد: «حتی اگر چنین اجماعی را که ما اثبات کردیم نیز برای رأی خود اثبات نمایند، دو دلیل اجماع با هم تساقط کرده و سایر ادلّه ما بلامعارض باقی خواهند ماند و در هر صورت، غلبه با قول و ادلّه ماست.»

ه. دلیل عقلی بر عینیت وجوب نماز جمعه

مرحوم فیض در این باب به سه دلیل عقلی اشاره می‌کند:

۱. استصحاب:

فیض، استصحاب را قوی‌ترین دلیل عقلی در این باب می‌داند. (الاصول الاصلیه، ص ۸۶/۶۵) با این تقریب که وجوب عینی نماز جمعه در حال حضور امام یا نایب وی، با استناد به کتاب و سنت و اجماع مسلمین ثابت است. بنابراین، تا زمانی که دلیل ناقل از این حکم حاصل نگردد، حکم وجوب، استصحاب می‌شود و از طرفی در اینجا چنین حکم ناقلی منتفی است.

۲. اصالة الجواز بالمعنی الأعم

فیض از شهید ثانی استدلال به «اصالة الجواز بالمعنی الأعم» را در مقابل تحریم نقل می‌کند (رسائل الشهد الثانی، ص ۸۱)؛ چرا که بر منع از نماز جمعه دلیلی وجود ندارد و اباحه نیز به اتفاق منفی است، زیرا عبادت نمی‌تواند متساوی الطرفین باشد. همچنین، کراهت و استحباب به معنی متعارف نیز در عبادات معنا ندارد. دلیل عدم تشریح استحباب اینکه این حکم بدل از واجب است. بنابراین، در صورت تشریح واجب خواهد بود، پس جواز در اینجا منحصر در وجوب خواهد بود و هو المطلوب.

۳. تأسی به پیامبر(ص)

مرحوم فیض این استدلال را از محقق سبزواری نقل می‌کند (رسالة فی الصلوة

الجمعه، ص ۳۱۸-۳۵۵)؛ چرا که تأسی در آنچه جهت وجوب در آن معلوم است، واجب است. بلکه گروهی ادعای اجماع مسلمین را بر آن دارند و مجرد احتمال اینکه وجوب، نسبت به پیامبر حاصل ولی نسبت به ما مفقود باشد، قادح در وجوب تأسی نیست.

۲-۲. نظریه وجوب مشروط نماز جمعه

به تقریر فیض کاشانی، گروهی از فقهای متأخر اهل رأی و اجتهاد، از آنجا که دیده‌اند اجلة اصحاب، گاه نماز جمعه را ترک کرده، دچار این شبهه شده‌اند که وجوب نماز جمعه مشروط به شرطی می‌باشد که گاه موجود است و گاه مفقود. سپس بر این نکته اتفاق کرده‌اند که این شرط، حضور سلطان عادل یا فرد منصوب از سوی وی می‌باشد و گویی منظور از سلطان عادل را امام معصوم (ع) دانسته‌اند. تنها کسی که این حکم را صریحاً بیان داشته، ابن ادریس حلّی است. از ظاهر کلام سلار ابن عبدالعزیز نیز چنین برمی‌آید.

۲-۲-۱. آرای مختلف قائلین به نظریه وجوب مشروط نماز جمعه

فیض، آرای قائلین به وجوب مشروط نماز جمعه را مضطرب دانسته و مواردی را به قرار ذیل نقل می‌کند:

الف. کسانی که شرط حضور سلطان عادل را مختص زمان ظهور دانسته و در زمان غیبت به دلیل امتناع، آن را ساقط می‌دانند که خود شامل موارد زیر می‌شوند:

- قائلین به وجوب حتمی نماز جمعه در زمان غیبت بدون رخصت در ترک.
- قائلین به وجوب تخییری و رخصت در ترک نماز جمعه در زمان غیبت و اینکه در این زمان، نماز جمعه مستحب و فرد افضل در واجب تخییری است.^۴
- کسانی که معتقدند که اذن عام در زمان غیبت، قائم مقام اذن خاص بوده، بنابراین وجوب نماز جمعه مشروط است به حضور فقیه، چرا که فقیه نایب عام امام (ع) می‌باشد.

فیض در ادامه ضمن اشاره به اضطراب کلمات قائلین به این نظریه و تناقض در کلام آن‌ها به طوری که حتی گاه فقیه واحد در مواضع مختلف، آرای متناقضی را ارائه می‌دهد، این اضطراب را به شکل زیر نشان می‌دهد:

- آنان گاه وجود سلطان عادل یا منصوب از طرف سلطان عادل را شرط وجوب نماز جمعه می‌دانند و استدلالی که برای این مسئله می‌آورند به کلی اعتبار سلطان جائز و منصوب از طرف وی را ساقط می‌کند.

- گاه معتقدند چنانچه سلطان جائز، فرد عادل را جهت اقامه نماز جمعه نصب کند، اجتماع افراد و انعقاد نماز جمعه مستحب است، گو اینکه اذن سلطان جائز دخالتی در انعقاد نماز جمعه دارد.

- گاه وجوب نماز جمعه را به دلیل فقدان شرط در زمان غیبت ساقط می‌دانند.

- گاه معتقدند فقیه، منصوب از سوی امام(ع) است. بنابراین، احکام وی نافذ بوده و مساعدت او برای اقامه حدود واجب است.

- گاه این شرط را مطلق دانسته و بر آن ادعای اجماع می‌کنند، آن‌گاه ادامه می‌دهند در زمان غیبت دو قول در مورد حکم نماز جمعه وجود دارد: قول اصح جواز است به دلیل روایات و قول دیگر منع است به دلیل فقدان شرط.

- عده‌ای پس از ذکر اشتراط حضور امام(ع) و ادعای اجماع بر آن، سؤال مقدر در مورد روایت جواز فعل نماز جمعه را برای اهل روستاها و سواد، چنین پاسخ می‌دهند که این مسئله امری مجاز و مطلوب است. بنابراین، جاری مجرای این خواهد بود که امام کسی را برای اقامه نماز بر ایشان نصب کرده‌اند.

- گاه سلطان عادل را به امام معصوم تفسیر می‌کنند.

- گاه عادل را طوری تفسیر می‌کنند که در مقابل فاسق قرار می‌گیرد.

- گاه مراد از حضور سلطان عادل را به گونه‌ای تفسیر می‌کنند که جهت سلطنت

و استیلا از آن دریافت می‌شود.

- گاه حضور را در مقابل غیبت قرار می‌دهند که شامل حضور در حال تقیه نیز می‌شود.

۲-۲-۲. ادلة قائلین به وجوب مشروط نماز جمعه و پاسخ به آنها

مرحوم فیض با اشاره به ادلة مخالفین، که از آن با عنوان شبهه یاد می‌کند، در بابی مستقل به پاسخگویی به آنها می‌پردازد.

الف. اجماع

این دلیل از سوی ابن ادریس (سرائر، ۳۰۳/۱)، محقق کرکی (رسائل المحقق الکرکی، ۱۴۱/۱-۱۴۲ و ۱۵۸) و برخی از متأخرین، بر اشتراط وجوب نماز جمعه به حضور امام یا نایب وی ارائه شده است.

پاسخ: مرحوم فیض از علامه در مختلف (المختلف الشیعه، ۲/۲۳۹) و نیز محقق سبزواری (رسالة فی صلوٰة الجمعة، ص ۳۴۱-۳۴۲) مخالفت با تحقق اجماع ادعا شده را نقل کرده است. همچنین، خود اظهار می‌دارد اگر کسی اجماع امامیه بلکه اجماع مسلمین بر عدم این اشتراط را ادعا کند، چنین ادعایی در غایت متانت و نهایت استقامت است. وی معتقد است حتی در صورت پذیرش ثبوت اجماع ادعا شده از سوی متأخرین به وجهی که موجب اثبات مدعای آنها شود، شک در اینکه این اجماع واجد شرایط صحت هست، مقتضی انصراف از ظن به صدق خبر مذکور خواهد بود.

علاوه بر آن، اجماع منقول به خبر واحد نزد اکثر متأخرین حجت نیست.^۹ بنابراین، مرتبه اجماع منقول به خبر واحد، مانند خبر واحد است ضمن اینکه در صورت تعارض دو خبر صحیح، گاه یکی از آنها با کمترین مرجوحیت طرح و یا تأویل می‌شود. بنابراین، اجماع منقول از طریق متأخرین به طریق اولی طرح خواهد شد؛ زیرا با اخبار صحیح و مستفیضه بلکه متواتره، که پشتوانه نص کتاب عزیز را به همراه دارد، در تعارض است.

سپس فیض با اشاره به روایاتی که صریحاً در رد اخبار معارض با کتاب خدا هستند، این اجماع را که مخالف نص کتاب خدا و اخبار صحیح در این معناست و هیچ مستندی از کتاب و سنت و دلیل عقلی ندارد، بلکه مخالف همه اینهاست، اولی

به سقوط و عدم اعتبار می‌داند.

ب. اشتغال یقینی به تکلیف نماز ظهر، مستلزم فعل آن جهت برائت ذمه خواهد بود.

این دلیل نیز از سوی ابن ادریس ارائه شده است. (السرائر، ۳۰۳/۱)

پاسخ: علامه در *مختلف الشیعه* (۲۳۹/۲) به این دلیل، چنین پاسخ داده است که یقین به اشتغال ذمه به نماز ظهر منتفی است به واسطه دلایل دال بر مشروعیت نماز جمعه. علاوه بر آنکه چنانچه نماز ظهر یقیناً واجب بود، اختلاف و نزاعی در این خصوص وجود نداشت. بنابراین، احتجاج به این امر، مصادره به مطلوب خواهد بود. علاوه بر اینکه می‌توان دلیل را مقلوب ساخته و چنین گفت که آنکه در اصل شرع ثابت است، نماز جمعه است که اولین نمازی است که به رسول خدا (ص) نازل شده و تکلیف به واسطه آن تحقق پیدا کرده و تا زمان وفات آن بزرگوار ادامه یافت. اما نماز ظهر تنها در صورت فوت شدن نماز جمعه یا فقدان شرایط آن واجب است؛ چه بسا اینکه مستفاد از بسیاری از احادیث چنین است. بنابراین، تکلیف به نماز ظهر امری طاری است و نیاز آن به اثبات اظهر است. لذا امر، عکس آن چیزی است که مخالفین ادعا کرده‌اند.

ج. از عدم قول به اشتراط وجوب نماز جمعه به حضور امام، قول به وجوب عینی لازم می‌آید. حال آنکه مسوغین نماز جمعه قائل به این امر نیستند.

این دلیل از سوی شهید اول در *ذکری الشیعه فی احکام الشیعه* (۱۰۵/۴-۱۰۶) مطرح شده است.

پاسخ: فیض، انتفای قول به وجوب عینی را منع کرده و وجوب عینی را ثابت و ادله اقامه شده و عبارات اصحاب را دال بر آن می‌داند. حتی اگر این سخن مورد پذیرش قرار گیرد، دلایل مذکور دال بر وجوب فی الجمله نماز جمعه هستند. یعنی وجوب کلی که احتمال عینی و تخییری در آن می‌رود. بنابراین، اگر وجوب عینی منتفی باشد - به دلیل عدم قائل به زعم مخالفین - دیگری یعنی وجوب تخییری باقی می‌ماند.

د. اجتماع مظنه نزاع و فتنه بوده و حکمت، حسم ماده اختلاف را ایجاد می‌کند و

این امر جز با سلطان استمرار نخواهد یافت. (مختلف الشیعه، ۲/۲۰۸)
این دلیل عقلی از سوی متأخران اقامه شده است.
پاسخ: فیض به چند وجه این دلیل را پاسخ گفته است:
- این استدلال، احتجاج در مقابل نصّ است.
- چنین استدلال‌هایی جامعیت ندارند؛ زیرا چه بسا اجتماعی بدون فتنه و نزاع حاصل شود.

- مجرد حصول نزاع بر چیزی، اقتضای عدم شرعیت آن را ندارد؛ زیرا نزاع از فعل مکلفین نشئت می‌گیرد. بدون اینکه اصل حکم شرعی دخالتی در فعل مکلفین داشته باشد و اگر چنین باشد، بسیاری از احکام باطل خواهد بود.

- اگر اجتماع مسلمانان بر طاعتی از طاعات خداوند متوقف بر حضور امام عادل باشد، دیگر نظامی در اسلام باقی نمی‌ماند. ضمن اینکه اجتماعات دیگری بدون حضور امام تشکیل می‌شود، مانند دیگر نمازها و وقوف مردم در عرفات که اجتماع بسیار مضاعف شدن ثواب و رفعت مقام آن‌ها می‌شود، بدون اینکه نظام آنان مختل شود. بلکه در زمان حضور ایشان چنین فتنه و نزاعی بیشتر بوده و است و نگاهی به سیره و زندگی امیرالمؤمنین(ع) در زمان خلافت ایشان، این مطلب را نشان می‌دهد. فی‌الجمله، حکمتی که حضور امام(ع) را ایجاب می‌کند، امری است و رای مجرد اجتماع در حال نمازها و دیگر طاعات. (رسائل الشیعه الثانی، ص ۸۴-۸۵)

ه پیامبر(ص) و خلفای بعد از ایشان همان‌طور که برای قضاوت فردی را تعیین می‌کردند، برای امامت جمعه نیز فردی را تعیین می‌کردند. از طرفی همان‌طور که صحیح نیست فرد خود را به عنوان قاضی نصب کند، صحیح نیست که به عنوان امام جمعه نصب کند. مخالفین گفته‌اند این قیاس نیست، بلکه استدلال به عمل مستمر در اعصار مختلف است. بنابراین، مخالفت با آن، خرق اجماع عملی است. این دلیل نیز از سوی متأخرین مطرح شده است.

پاسخ: فیض به این دلیل نیز به چند وجه پاسخ داده است:

- از آنجا که میان وجوب تخییری و وجوب عینی فرقی نیست، این دلیل با وجوب تخییری نقض می‌شود؛ چرا که مخالفین، وجوب تخییری را ثابت می‌دانند و وجوب عینی را نفی می‌کنند.

- این دلیل با امامت جماعت و اذان و مانند آن نقض می‌شود؛ چراکه آن بزرگواران برای این امر نیز افرادی را تعیین می‌کردند. پس لازمه سخن آنان این است که این موارد نیز در زمان غیبت ساقط شود.

- همان‌طور که مستدل خود اعتراف کرده، این امر با مسئله قضاوت نیز نقض می‌شود؛ چرا که لازمه سخن آنان سقوط و عدم مشروعیت قضا در زمان غیبت به طور مطلق خواهد بود و لازمه این امر وقوع بی‌نظمی در جامعه و تعطیل بسیاری از احکام خواهد بود. فیض به اشکال مقتدر درباره ورود روایت در مورد قضا مبنی بر رجوع به عالمان به احکام و روایات ائمه، این‌گونه پاسخ می‌دهد که روایاتی نیز دال بر وجوب اقامه نماز جمعه در صورت اجتماع شرایط وارد شده است.

- به فرض پذیرش جامعیت این دلیل در تمام امت، باز هم دال بر جمله شرطیه نبوده و دلیل اعم است از مدعا و نمی‌توان خاص را از عام نتیجه گرفت؛ چرا که تعیین افراد برای قضاوت، برای از بین بردن ماده نزاع و ارجاع مردم به قاضی منصوب است تا بدون شک و تردید به وی اعتماد کنند. چه بسا اینکه آنان برای امامت جماعت و اذان نیز افرادی را تعیین می‌کرده‌اند، بدون اینکه این امر متوقف بر اذن امام باشد و عدم توقف امامت جماعت و اذان بر اذن امام اجماعی است.

- حسن ادب اقتضا می‌کند که در صورت حضور امام (ع) در میان مردم، آنها در مهمات امور خود به رأی امام خود رجوع کنند، ولی چنانچه امام در میان آنها نباشد، از عدم رجوع به امام، تعطیل و ترک کلیه امور لازم نمی‌آید. مگر اینکه بدانیم حضور و اذن امام مدخلی در آن امور دارد که چنین چیزی اثبات نشده است.

ز. روایت محمد ابن مسلم از امام باقر (ع): «لا تجب الجمعة على أقل من سبعة: الامام وقاضيه و مدع حقا و مدعی علیه و شاهدان و من يضرب الحدود بين یدی امام» (وسائل الشیعه، باب ۲ من صلوة الجمعة و آدابها؛ من لا یحضره الفقیه، ۱/۲۶۷)

فیض کاشانی
و نظریه عینیت
و وجوب نماز جمعه

این چهارمین دلیل متأخران است.

پاسخ: فیض به این دلیل نیز به چند وجه پاسخ داده است:

- سند روایت را ضعیف دانسته چرا که از جمله رجال روایت، حکم ابن مسکین است که مجهول می‌باشد. بنابراین، عمل به روایت وی جایز نیست.

- همه مسلمین عمل به ظاهر این روایت را ترک کرده‌اند؛ چه بسا اینکه محقق در معتبر به این امر اعتراف نموده است.

- عمل به ظاهر این خبر اقتضا می‌کند که نایب امام، قائم مقام وی قرار نگیرد و این خلاف اجماع مسلمین است.

- این خبر با اخباری که بر عدم اعتبار امام دلالت می‌کند، معارض است.

- ظهور روایت در این است که ذکر این هفت تن از باب کنایه از اجتماع این عدد است، هر چند عین همان افراد مذکور اجتماع نکرده باشند؛ چه بسا اینکه مرحوم مفید به این امر اعتراف کرده است. (مقنعه، ص ۱۶۴) بنابراین، احتیاج به این روایت ساقط است.

ط. روایت عمر ابن حنظله در خصوص متحاکمین: «انظروا الی من کان منکم قد روی حدیثنا و نظر فی حالنا و حرامنا و عرف احکامنا فارضوا به حکماً فیائی قد جعلته علیکم حاکماً» (تهذیب، ۳۰۱/۶ و وسائل الشیعه، ۹۸/۸)

نحوه استدلال به این روایت آنکه عبارت «قد جعلته علیکم حاکماً» اقتضا می‌کند که فقیه جامع شرایط فتوا در همه آنچه نیابت در آن مدخلی دارد، که از آن جمله نماز جمعه است، منصوب از سوی ائمه و نایب از آنان باشد. از سوی دیگر، بر نیابت مجتهد از سوی ائمه (ع) ادعای اجماع نموده‌اند. این دلیل از سوی مرحوم محقق کرکی ارائه شده است.

پاسخ: مرحوم فیض، اجماع بر اشتراط فقیه برای جواز یا وجوب نماز جمعه را با ذکر عبارات مختلف فقها رد کرده و آورده است که در حقیقت بر خلاف این ادعا، یعنی عدم اشتراط فقیه، اجماع وجود دارد. ایشان از مرحوم شیخ حسین ابن

عبدالصمد عاملی (العقد الطهماسبی، ص ۲۱۱) نیز نقل کرده که دلیل محکمی بر اشتراط مجتهد نیافته‌اند. علاوه بر معارضه این رأی با اطلاق قرآن و احادیث صحیحیه و عدم قول به اشتراط از سوی متقدمین و متأخرین به جز شهید درلمعه، که البته ایشان در دیگر کتب خود این شرط را نیاورده است. همچنین، فیض کاشانی از شهید ثانی نقل کرده که لفظ فقیه و فقها در کلام این بزرگان بر سبیل تمثیل است نه اشتراط و الا لازم می‌آمد که قائل به وجوب عینی در زمان غیبت و یا اساساً الغای شرط فقیه شوند.

مرحوم فیض به نقل از محقق سبزواری، که از وی به عنوان «بعض اخواننا المعاصرین» یاد می‌کند، به روایت ابن حنظله چنین پاسخ داده است:

- حداکثر دلالت حدیث می‌تواند نصب محدث عارف به احکام، برای افتای بین متحاکمین باشد و این امر مستلزم نصب این فرد برای نماز جمعه به طوری که انعقاد این نماز به حضور وی اختصاص یابد و نیز هر چیز دیگری که نیابت آن دخیل است، نیست. علاوه بر اینکه از نظر محقق کرکی محدث اعم است از مجتهد متّصف به ملکة مخصوصه برای اجتهاد. بنابراین، محدث نمی‌تواند به طور خاص بر مجتهد دلالت کند. - مستفاد از روایت، وجوب رضایت به حکم محدث عارف به احکام ائمه (ع) است که از احادیث آنها به طور صریح استفاده می‌شود. بنابراین، هر کس معتقد به وجوب عینی نماز جمعه باشد - چه بسا اینکه این امر مستفاد از روایات است - به حکم محدث عارف به احکام ائمه رضایت داده است.

- مستفاد از احادیث ائمه (ع) که در مورد نماز جمعه وارد شده، انعقاد این نماز است با کسی که صفات امام جماعت در وی کامل باشد، هر چند مجتهد نباشد و این امر، حکم و رأی همه علمای متقدم و موافقین آنها از میان علمای متأخر است که اینها نیز وصف نظر در حلال و حرام و شناخت احکام از احادیث ائمه داشته و عمر خود را صرف ضبط، نقل و نشر آنها کرده‌اند. پس این حدیث می‌تواند مؤید قائلین به وجوب عینی نماز جمعه باشد نه مخالف نظر آنها.

- حتی اگر دلالت حدیث بر مدعای مخالف مورد پذیرش قرار گیرد، واجب است که به آن عمل نشود، زیرا این روایت مخالف قرآن و روایات متواتری است که اکثر مجوزین برگزاری نماز جمعه در زمان غیبت به آن‌ها عمل کرده‌اند؛ چرا که آن‌ها وجود مجتهد را شرط نکرده‌اند. (ر.ک: دوازده رساله فقهی درباره نماز جمعه از روزگار صفوی)

نتیجه

مرحوم فیض با توجه به پیشینه مسئله و مطرح نبودن اشتراط حضور امام در وجوب نماز جمعه در قرون اولیه هجری، در میان امامیه و اشاره به نحوه ورود این شرط در آثار و آرای آنان و با در نظر گرفتن ادله قطعی کتاب و سنت و نیز دلیل عقل، همچنین با استفاده از دلیل اجماع در مقام احتجاج، وجوب عینی نماز جمعه را اثبات کرده و تخلف از آن را در زمان غیبت امام (ع)، جایز نمی‌داند و ضمن برشمردن ادله مخالفین، به پاسخگویی و نقد آن‌ها می‌پردازد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پی‌نوشت‌ها:

۱. مأخذ نظرات فیض در این باب رسالة الشهاب الثاقب ایشان می‌باشد.
۲. محقق بحرانی در الحدائق الناضرة، عبارت کراچکی را نقل کرده (۳۸۲/۹) و محقق نراقی در مستند الشیعه اظهار داشته که این کتاب در حال حاضر موجود نیست و گروهی منکر وجود آن شده‌اند. (۱۷/۶)
۳. این کتاب در رساله صلوة جمعه شهید ثانی به شیخ طبرسی نسبت داده شده است، لکن میرزا افندی در ریاض العلماء این نسبت را صحیح ندانسته و آن را به طوسی نسبت می‌دهد. شیخ آقا بزرگ تهرانی نیز در ذریعه، آن را به عمادالدین طبری صاحب بضاعة الفردوس نسبت داده است.
۴. فیض، سر این اشتباه را عبارت برخی از متقدمین به ویژه شیخ طوسی می‌داند. گویی مقصود آنان از تخییر این بوده که مردم جهت تعیین امام و تجمع برای نماز جمعه مخیرند، لکن چنانچه این مقدمات فراهم شد و نماز جمعه برپا شد، تمام کسانی که واجد شرایط هستند مکلف به حضور در نماز جمعه می‌باشند نه اینکه در حضور یا ترک نماز جمعه مخیر هستند.
۵. از جمله قائلین به عدم حجیت اجماع منقول را می‌توان محقق اردبیلی (مجمع الفائدة و البرهان، ۲۶۱/۱)، سید محمد عاملی (مدارک الاحکام، ۳۶۵/۲-۳۶۶)، محقق بحرانی (الحدائق الناضرة، ۳۷۳/۹)، سید محمد کاظم طباطبایی یزدی (حاشیه مکاسب، ۶۸/۲ و سؤال و جواب فارسی، ص ۳۳۴) آخوند خراسانی (کفایة الاصول، ص ۲۸۶ و ۲۹۶ و ۷۴۲) سید ابوالقاسم خویی (مصباح الفقاهه، ۲۸۵/۱، ۲۹۳ و ۱۷/۳) نام برد.

منابع

- الاستبصار فی ما اختلف من الاخبار؛ ابوجعفر محمد شیخ طوسی، تحقیق و تعلیق سید حسن موسوی خراسانی، چاپ چهارم، دارالکتب الاسلامیه، تهران ۱۳۹۰ق.
- الاصول الاصلیه؛ ملا محسن فیض کاشانی، تصحیح و تعلیق میرجلال‌الدین حسینی ارموی، سازمان چاپ دانشگاه، بی‌جا، بی‌تا.
- الاقتصاد؛ ابوجعفر شیخ طوسی، کتابخانه جامع چهلستون، تهران ۱۴۰۰ق.
- الألفية و النلفية؛ محمد ابن مکی (شهید اول)، تحقیق علی فاضل قائینی نجفی، دفتر تبلیغات اسلامی، قم ۱۴۰۸ق.
- الامالی؛ ابوجعفر محمد شیخ صدوق، چاپ اول، مؤسسه بعثت، قم ۱۴۱۷ق.
- البیان؛ محمد ابن مکی، چاپ سنگی، مجمع الذخائر الاسلامیه، قم، بی‌تا.
- تذکرة الفقهاء؛ حسن ابن یوسف علامه حلّی، چاپ اول، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، قم ۱۴۱۴ق.
- تهذیب الاحکام؛ ابوجعفر محمد شیخ طوسی، تحقیق و تعلیق سید حسن موسوی خراسانی، چاپ سوم، دارالکتب الاسلامیه، تهران ۱۳۶۴ش.
- حاشیه مکاسب؛ سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، چاپ سنگی، مؤسسه اسماعیلیان، قم ۱۳۷۸ق.
- الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة بحرانی؛ به اهتمام شیخ علی آخوندی، مؤسسه نشر اسلامی، قم، بی‌تا.
- الدروس الشریعه؛ محمد ابن مکی، چاپ اول، مؤسسه نشر اسلامی، قم ۱۴۱۴ق.
- دوازده رساله فقهی درباره نماز جمعه از روزگار صفوی؛ رسول جعفریان، چاپ اول، انصاریان، قم ۱۳۸۱.
- الدرریه؛ شیخ آقا بزرگ تهرانی، چاپ سوم، دارالاضواء، بیروت ۱۴۰۳ق.
- ذکرى الشيعة فى احکام الشریعه؛ محمد ابن مکی، چاپ اول، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، قم ۱۴۱۸ق.
- رسائل التسع؛ ابوالقاسم جعفر محقق حلّی، تحقیق رضا استادی، چاپ اول، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، قم ۱۴۱۳ق.
- رسائل الشریف المرتضی؛ علم الهدی سید المرتضی، مقدمه و اشراف احمد حسینی، دارالقرآن الکریم، قم ۱۴۰۵ق.
- رسائل الشهيد الثانی؛ زین‌الدین ابن علی عاملی (شهید ثانی)، نشر کتابخانه بصیرتی، قم، بی‌تا.

- رسائل الشيعه؛ محمد ابن حسن شيخ حرّ عاملي، چاپ دوم، مؤسسه آل البيت لاحياء التراث، قم ۱۴۱۴ق.
- رسائل العشر؛ ابو جعفر محمد شيخ طوسي، مؤسسه نشر اسلامي، قم، بی تا.
- رسائل المحقق الكركي؛ علي ابن حسين محقق کرکي، تحقيق شيخ محمد حسون، چاپ اول، کتابخانه آيت الله مرعشي نجفي، قم ۱۴۰۹ق.
- السرائر؛ ابو جعفر محمد ابن ادریس، چاپ چهارم، مؤسسه نشر اسلامي، قم ۱۴۱۷ق.
- سؤال و جواب فارسي؛ سيد محمد کاظم طباطبائي يزدي، به اهتمام مصطفى محقق داماد، چاپ اول، مرکز نشر علوم اسلامي، تهران ۱۳۷۶.
- سنن ابی داوود؛ سليمان ابن اشعث سجستاني، به تعليق محمد محيی الدين عبدالحميد، دار احياء السنة النبوية، بی جا، بی تا.
- شرايع الاسلام؛ ابوالقاسم جعفر محقق حلّي، تعليق سيد صادق شیرازی، چاپ دوم، استقلال، تهران ۱۴۰۹ق.
- الشهاب الثاقب؛ ملا محسن فيض کاشاني، نسخه دست نویس، کتابخانه مدرس عالی شهيد مطهري (در دست چاپ).
- العقد الطهماسبي؛ حسين ابن عبدالصمد عاملي، تصحيح سيد جواد مدرسی يزدي، چاپ گل بهار، يزدي، بی تا.
- الفروع من الكافي؛ محمد ابن يعقوب كليني رازی، به اهتمام شيخ علي آخوندي، چاپ سوم، دارالکتب الاسلاميه، تهران ۱۳۸۰ق.
- قواعد الاحكام؛ حسن ابن يوسف علامه حلّي، چاپ اول، مؤسسه آل البيت لاحياء التراث، قم ۱۴۱۳ق.
- الكافي في الفقه؛ حلبي ابوالصلاح، به تحقيق رضا استادي، مكتبة الامام اميرالمؤمنين (ع)، اصفهان، بی تا.
- كفاية الاصول؛ شيخ محمد کاظم آخوند خراساني، چاپ اول، مؤسسه آل البيت لاحياء التراث، قم ۱۴۰۹ق.
- اللعة الدمشقيه؛ محمد ابن مكي، چاپ اول، دارالفکر، قم ۱۴۱۱ق.
- المبسوط؛ ابو جعفر محمد شيخ طوسي، تصحيح و تعليق محمد حسن كشفي، المكتبة المرتضويه لاحياء آثار الجعفريه، تهران ۱۳۸۷ق.
- مجمع الفائدة والبرهان؛ احمد ابن محمد محقق اردبيلي، تصحيح حاج آقا مجتبي عراقی، جامعه مدرسين حوزه علميه، قم، بی تا.
- مدارك الاحكام في شرح شرايع الاسلام؛ محمد ابن علي موسوي عاملي، چاپ اول، مؤسسه آل البيت لاحياء التراث، قم ۱۴۱۰ق.

- المراسم العلوية في الاحكام النبوية؛ ابويعلى حمزة بن عبدالعزيز الديلمي سكار، تحقيق محسن حسيني اميني، معاونت فرهنگي مجمع جهاني اهل بيت(ع)، قم ۱۴۱۴ق.
- مستند الشيعة في احكام الشريعة؛ نراقي، چاپ اول، مؤسسه آل البيت لاحياء التراث، قم ۱۴۱۷ق.
- مصباح الفقاهه؛ سيد ابوالقاسم خويي، به قلم محمدعلي توحيدى تبريزي، چاپ اول، كتابخانه داوري، قم ۱۳۷۷.
- مصنفات الشيخ المفيد؛ محمد ابن محمد شيخ مفيد، چاپ دوم، دارالمفيد، بيروت ۱۴۱۴ق.
- المعتبر؛ ابوالقاسم جعفر محقق حلّي، به اشرف آيت الله ناصر مكارم شيرازي، مؤسسه سيدالشهدا، قم ۱۳۶۴.
- المقنع في الفقه؛ ابو جعفر محمد شيخ صدوق (بابويه)، مؤسسة الامام الهادي(ع)، قم ۱۴۱۵ق.
- المقنعة؛ محمد ابن محمد شيخ مفيد، چاپ دوم، مؤسسه نشر اسلامي، قم ۱۴۱۰ق.
- من لا يحضره الفقيه؛ ابو جعفر محمد شيخ صدوق، تصحيح و تعليق على اكبر غفاري، چاپ دوم، جامعه مدرسين حوزه علميه، قم، بی تا.
- نهاية الاحكام؛ حسن ابن يوسف علامه حلّي، چاپ دوم، مؤسسه اسماعيليان، قم ۱۴۱۰ق.
- النهاية في مجرد الفقه و الفتاوى؛ ابو جعفر محمد شيخ طوسي، قدس محمدي، قم، بی تا.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی